



مِنْ طَرَائِفِ الْحِكْمَةِ

«أُبْكِي عَلَى حَالِكَ»

قِيلَ إِنَّ بُهْلُولاً^١ دَخَلَ يَوْمًا قَصْرَ الرَّشِيدِ،
فَرَأَى الْمَسْنَدَ^{*} الْخَاصَّ لَهُ فَارِغًا^{*}. فَجَلَسَ
عَلَيْهِ لِحِظَةً جُلُوسَ الْمُلُوكِ، فَرَأَهُ الْخَدَمُ^{*}،
فَضْرَبُوهُ ضَرْبًا شَدِيدًا وَسَحَبُوهُ^{*} عَنْ مَسْنَدِ

الرَّشِيدِ. وَفِي هَذِهِ اللَّحِظَةِ دَخَلَ هَارُونُ الْقَصْرِ وَرَأَى «بُهْلُولًا» جَالِسًا يَبْكِي.
فَسَأَلَ الْخَدَمَ عَنِ السَّبَبِ، فَقَالُوا: رَأَيْنَاهُ جَالِسًا عَلَى مَسْنَدِكَ، فَضَرْبْنَاهُ تَأْدِيبًا لَهُ.
فَأَسْفَقَ^{*} الرَّشِيدُ عَلَى بُهْلُولٍ وَقَالَ لَهُ:

لَا تَبْكُ يَا صَدِيقِي. إِنِّي سَأَعاقِبُ^{*} الْخَدَمَ.

فَأَجَابَ بُهْلُولٌ: يَا هَارُونُ، إِنِّي لَا أُبْكِي عَلَى حَالِي وَلَكِنْ أُبْكِي عَلَى حَالِكَ. أَنَا
جَلَسْتُ عَلَى مَسْنَدِكَ لِحِظَةً وَاحِدَةً فَعَوِيتُ^{*} بِهَذَا الضَّرْبِ الشَّدِيدِ، وَأَنْتَ جَالِسٌ فِي هَذَا
الْمَكَانِ طَوْلَ عَمْرِكَ فَكَيْفَ سَتُعاقِبُ^{*} فِي الْآخِرَةِ؟!

«مِنْ حَدِيثِ لَقْمَانَ^٢ الْحَكِيمِ لَوْلَدِهِ»

سَمِعْتُ الْكَثِيرَ مِنْ حِكْمِ الْأَنْبِيَاءِ، فَأَخْتَرْتُ لَكَ ثَمَانِي؛ مِنْهَا:

إِنْ كُنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَاحْفَظْ قَلْبَكَ.

وَإِنْ كُنْتَ فِي مَجَالِسِ النَّاسِ فَاحْفَظْ لِسَانَكَ.

وَإِنْ كُنْتَ فِي بُيُوتِ النَّاسِ فَاحْفَظْ بَصْرَكَ.

وَإِنْ كُنْتَ عَلَى الطَّعَامِ فَاحْفَظْ مَعِدَتَكَ.

إِثْنَانِ لَا تَذْكُرْهُمَا أَبَدًا: إِسَاءَةُ^{*} النَّاسِ إِلَيْكَ وَإِحْسَانُكَ إِلَى النَّاسِ.

وَإِثْنَانِ لَا تَنْسَهُمَا أَبَدًا: اللَّهُ وَالْدارُ الْآخِرَةُ.

١- مِنْ عُقَلَاءِ الْمَجَانِينِ. ٢- أَحَدُ الْحُكَمَاءِ الْقُدَامَى. هُوَ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ نَبِيًّا سَمِيَتْ إِحْدَى سُورِ الْقُرْآنِ بِاسْمِهِ.

المفعول المطلق و المفعول له

المفعول المطلق

۱

به دو گروه از جملات زیر در زبان فارسی توجه کنیم :

| ۲ | ۱ |
|---|--|
| دانش آموز کوشا قطعاً موفق می شود. راستگویی انسان را مطمئناً نجات می دهد. به عهدم کاملاً پای بندم. | دانش آموز کوشا موفق می شود. راستگویی انسان را نجات می دهد. به عهدم پای بندم. |

- در کدام یک از مجموعه ها انجام فعل، با تأکید و اطمینان بیش تری بیان شده است؟
- این تأثیر را مدیون حضور چه کلماتی می دانید؟

در زبان فارسی هرگاه تحقق یافتن فعلی مورد تردید شنونده قرار گیرد، برای تأکید و اطمینان می توان از کلماتی چون : مسلماً، یقیناً، حتماً و ... استفاده کرد.

بدانیم

سؤال : آیا در زبان عربی نیز می توان چنین جملاتی را با تأکید بیان کرد؟

به دو عبارت زیر و ترجمه آن ها توجه کنید :

- ۱ یَجْتَهِدُ الطَّالِبُ فِي الدَّرْسِ . «دانش آموز در درس تلاش می کند.»
- ۲ یَجْتَهِدُ الطَّالِبُ فِي الدَّرْسِ إِجْتِهَادًا . «دانش آموز در درس مسلماً تلاش می کند.»

– با توجه به ترجمه، کدام عبارت به قصد تأکید و رفع تردید بیان شده است؟

– چه کلمه ای را علت این امر می دانید؟

– «اجتهاداً» چه نوع اسمی است؟

– آیا به یکی از وظایف مهمّ مصدر در جملات پی بردید؟

به کمک مصدر در این جمله تأکید و رفع تردید صورت گرفت.

آیا می دانید معادل این نقش در زبان فارسی چه نام دارد؟

بدانیم

هرگاه انجام فعلی نیاز به تأکید و رفع ابهام داشته باشد، مصدر آن فعل به کمک می آید. به چنین مصدري در زبان عربي «مفعول مطلق» می گویند.

بدانیم

در عبارت «يَجْتَهِدُ الطَّالِبُ فِي الدَّرْسِ اجْتِهَاداً»، مصدر به همراه فعل خود آمده است. به این نوع مفعول مطلق، «مفعول مطلق تأکیدی» می گویند.

للتدريب

عَيْنِ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ :

نَزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ تَنْزِيلاً. «خداوند قرآن را یقیناً نازل فرمود.»
نَحْرِضُ عَلَى مَصَاحِبَةِ الْأَخْيَارِ* حِرْصاً. «مسئلاً به هم نشینی با نیکان مشتاقیم.»

بادقت در مثال های فوق تعیین کنید مفعول مطلق دارای کدام یک از ویژگی های زیر است :

☐ مرفوع

☐ منصوب

☐ از ریشه فعل خود

☐ غیر هم ریشه با فعل خود

☐ مصدر

☐ مشتق

نکته ۱

در دو عبارت زیر پس از تعیین مفعول مطلق به سؤالات پاسخ دهید.

﴿أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ «خداوند را بسیار یاد کنید.»
يَعِيشُ الْبَخِيلُ عَيْشَةَ الْفُقَرَاءِ. «بخیل مانند فقرا زندگی می کند.»

۱- دو کلمه «کثیراً» و «الفقراء» به ترتیب چه نقشی دارند؟

مضاف الیه، مضاف الیه ☐ صفت، مضاف الیه ☐

۲- با توجه به نقش، این دو کلمه چه توضیحی را برای مصدر خود دربر دارند؟

زمان انجام فعل ☐ نوع انجام فعل ☐ مکان انجام فعل ☐

بدانیم

گاهی مفعول مطلق، با کمک کلمه بعد از خود، نوع انجام فعل را بیان می‌کند. به این نوع مفعول مطلق، «مفعول مطلق نوعی یا بیانی» می‌گویند.

نکته ۲

به عبارات زیر توجه کنید :

صَبْرًا عَلَى الشَّدَائِدِ. «در برابر مشکلات شکیبا باش.»
حَمْدًا لِلَّهِ عَلَى نِعْمَائِهِ. «خدای را به خاطر نعمت‌هایش سپاسگزاری کن.»

کلمات «صبراً» و «حمداً» مصدر و منصوب هستند، اما فعل هم‌ریشه آن‌ها کجاست؟

بدانیم

گاهی مفعول مطلق به تنهایی و بدون فعل می‌آید؛ در این صورت آن را مفعول مطلق برای فعل محذوف می‌دانیم.

مهم‌ترین مصادری که بدون فعل ذکر می‌شوند، عبارت است از :
حَقًّا (به راستی)، اَيْضًا (هم‌چنین)، جِدًّا (واقعاً، بسیار)، شُكْرًا (متشکرم)،
سَمْعًا و طَاعَةً (به چشم، اطاعت می‌شود)، سُبْحَانَ اللَّهِ (خداوند منزّه است)،
مَعَاذَ اللَّهِ (به خدا پناه می‌برم) و ...

المفعولُ لَهُ

۲

اکنون با کاربرد دیگری از مصدر آشنا می‌شویم.

به عبارت زیر و ترجمه آن توجه نمایید و به سؤالات پاسخ دهید :

يُصَلِّي الْمُؤْمِنُ قَرَبَةً إِلَى اللَّهِ. «مؤمن به خاطر نزدیک شدن به خدا نماز می‌خواند.»

۱- «قُرْبَةً» چه نوع کلمه‌ای است؟ ☐ فعل ☐ مصدر

۲- «قُرْبَةً» چه مفهومی را بیان می‌کند؟ ☐ انجام فعل ☐ علت انجام فعل

نتیجه :

«قُرْبَةً» مصدری است که علت «نماز خواندن» را بیان کرده است.

بدانیم

مصدر می‌تواند علت و سبب وقوع فعل را بیان کند.
به چنین مصدری «مفعولٌ له» یا «مفعولٌ لِأجله» می‌گویند.

للتدرب

عَيْنِ الْمَفْعُولِ لَهُ :

الْمُؤْمِنُ يَتْرُكُ الْمَعْصِيَةَ حَيَاءً مِنَ اللَّهِ :

«مؤمن به خاطر شرم از خدا، گناه را ترک می‌کند.»

در ترجمه «مفعول له» از چه کلمه‌ای می‌توان استفاده کرد؟

با توجه به مثال‌های ذکر شده تعیین کنید مفعول له دارای کدام یک از ویژگی‌های زیر است.

☐ هم ریشه با فعل خود

☐ غیر هم ریشه با فعل خود

☐ مجرور

☐ منصوب

☐ مصدر

☐ اسم فاعل

«مفعول مطلق» و «مفعول له» در فارسی از جمله قیود به شمار می روند. وظیفه آن ها «مقتد کردن» فعل است.

۱- مفعول مطلق، چگونگی وقوع «فعل» را نشان می دهد و یا آن را تأکید می کند :

كانوا يقيمون صلاة الليل كثيراً : نماز شب زیادی را برپا می داشتند (ترجمه غلط).

نماز شب را زیاد برپا می داشتند (ترجمه صحیح).

۲- برای ترجمه مفعول مطلق تأکیدی و بیانی از قیود تأکیدی و بیانی نظیر : بی شک، بسیار، همچون و ... استفاده می کنیم.

۳- در ترجمه مفعول له از کلماتی مانند : برای، به خاطر، به جهت و ... استفاده می شود.

متن زیر را بخوانید و پس از پاسخ دادن به سؤالات، آن را ترجمه کنید :

النجوم الزاهرة

كان دور الطالاب مُمَيَّزاً في الحرب المفروضة. فساحت القتال لا تنسى شجاعة هذه النجوم الزاهرة. كانوا يقيمون صلاة الليل كثيراً و يُرَتِّلُونَ القرآن و الأدعية في الخنادق ترتيلاً و عند القتال يهاجمون العدو مهاجمة الأسود حباً للشهادة في سبيل الله.

نحن قدّمنا الجواهر الثمينة من الشبان في هذه الحرب حتى استطعنا أن نقف أمام هجوم الأعداء. فنَدْعُو الله أن يُوفّقنا لحفظ أمانة أصدقائنا الشهداء و تحقّق آمالهم في بناء مجتمع سعيد على أساس الحق و العدالة.

انتخب الجواب الصحيح :

معنى المفردات

- | | | | |
|-----------------|-------------------|-------------------|------------------|
| الف - زاهرة : | ○ تاريك | ○ وحشتناك | ○ درخشان |
| ب - ساحة : | ○ حياط | ○ ميدان | ○ باغ |
| ج - يُرَتِّل : | ○ با دقت می خواند | ○ با دقت می نویسد | ○ با دقت می ریزد |
| د - خندق : | ○ بیابان | ○ چاه | ○ سنگر |
| هـ - المفروضة : | ○ تحمیلی | ○ تجملی | ○ واجب |

معنى العبارات

- الف - قدّمنا الجواهر الثمينة من الشبان : گهرهای گران قیمتی از جوانان را تقدیم کردیم. ○
- گهرهای گران قیمتی از جوانان ما را مقدّم نمودند. ○
- ب - فنَدْعُو الله أن يُوفّقنا : از خدا می خواهیم ما را موفق کند. ○
- به درگاه خدا دعا می کنیم مرا موفق کند. ○

القواعد :

فاعل «لا تنسى» : أنت ○ شجاعة ○ هي ○



التمرین الأول

عَيْنِ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ وَالْمَفْعُولِ لَهُ :

- ۱- ﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً﴾
- ۲- ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾
- ۳- ﴿لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ﴾
- ۴- خَيْرُ الْعِبَادَةِ هِيَ الَّتِي نَفَعُهَا حُبًّا لِلَّهِ تَعَالَى.
- ۵- يَعِيشُ الْبُخِيلُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ وَيُحَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ حَسَابَ الْأَغْنِيَاءِ.



التمرین الثاني

إِنْخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ :

(الف) ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ : هر که از خدا و پیامبرش اطاعت کند، ...

- ۱- قطعاً به رستگاری عظیمی دست می یابد.
- ۲- رستگاری عظیمی را از آن خود کرده است.
- ۳- سعادت و رستگاری او عظیم خواهد بود.

(ب) ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا﴾ : و اما کسانی که کافر شدند ...

- ۱- به سختی عذاب خواهند شد.
- ۲- برای آنان است مجازاتی دردناک.
- ۳- به سختی عذابشان می کنم.

التمرين الثالث

عَيِّنْ إعراب «ذَكَرًا» في الآيات التالية :

- ١- ﴿قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾
- ٢- ﴿وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا﴾
- ٣- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾

التمرين الرابع

للتعريب :

- ١- ما باید در درس هایمان بسیار تلاش کنیم.
- ٢- مؤمن خدا را به خاطر عشق به او عبادت می کند.

التمرين الخامس

عَيِّنِ التَّرَادُفَ وَ التَّمَاذُ : (=, ≠)

الفارغ □ المملوء إختار □ إئتخَب الإساءة □ الإحسان

جمال لفظ و معنی

الفاظ «مَرْكَب» معانی و وسیله اظهار مفاهیم و مقاصد هستند. معانی هر چند پر بار و پر محتوی باشند، نیازمند وسیله ای زیبا و مناسب هستند تا بتوانند بر گوش مخاطبان و مستمعان بهترین تأثیر را بگذارند.

قرآن کریم به عنوان معجزه پیامبر اسلام، گذشته از آن که حاوی معانی والا و مفاهیم گران سنگ است، دارای زیباترین ساختار و مناسب ترین قالب ها برای القای معانی در دل مخاطبان است. از جمله مواردی که در قرآن کریم به منظور رعایت زیبایی قالب و حسن ظاهر رعایت شده است،

به منظور رعایت اصل
زیباشناسی، گاه کلماتی
حروف خود را از دست
می دهند و یا حتی اسم هایی
از جمله حذف می شود.

حذف بعضی از اجزاء کلمه و یا جمله است.

رعایت «تناسب» و
«تعادل» از اصول
زیبایی شناسی است.

به آیات زیر توجه کنیم :

— ﴿عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ﴾ [المتعالی] (الرعد : ۹)

[او] عالم به غیب و آشکار است، بزرگ و برتر است.

چرا حرف «باء» از کلمه «الْمُتَعَالِ» حذف شده است؟ اگر به سوره «رعد» مراجعه کنیم می بینیم کلمات آخر آیات ماقبل در آیه مزبور، همگی به کسره ختم شده است. از این رو حرف «باء» برای حفظ «تناسب» و «تعادل» حذف شده است.

— ﴿فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ﴾ [عِقَابِي] (الرعد : ۳۲)

بس کیفر من چگونه بود؟

ضمیر «باء» در «عِقَابِي» نیز به همین علت حذف شده است.

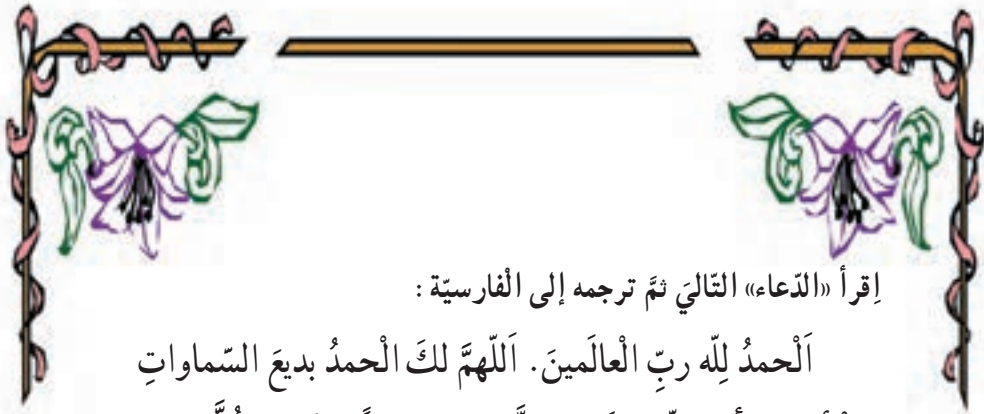
در آیات زیر کدام جزء از کلمه حذف شده است؟

۱- ﴿رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾ پروردگارا، دعای مرا بپذیر.

۲- ﴿إِلَيْهِ أَدْعُوْا وَإِلَيْهِ مَابِ﴾ به سوی او می خوانم و بازگشت من به سوی اوست.

۳- ﴿إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾

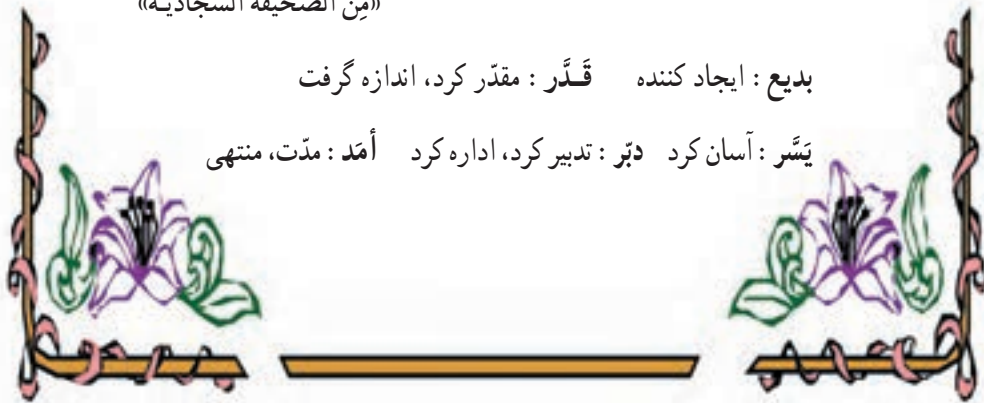
هنگامی که بندگانم درباره من از تو پرسند، من نزدیکم و به ندای کسی که مرا بخواند پاسخ می دهم.



إِقْرَأِ «الدَّعَاءَ» التَّالِيَّ ثُمَّ تَرْجَمْهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ :

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ. أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا وَيَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ
تَيْسِيرًا وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا. أَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمَدًا.
سُبْحَانَكَ، قَوْلُكَ حُكْمٌ وَقَضَاؤُكَ حَقٌّ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا
خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ وَشُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ.

«مِنَ الصَّحِيفَةِ السَّجَّادِيَّةِ»



بَدِيع : ايجاد كننده قَدَّرَ : مقدّر كرد، اندازه گرفت

يَسَّرَ : آسان كرد دَبَّرَ : تدبیر کرد، اداره کرد أَمَدَ : مدت، منتهی